



جمال شوره‌جه (فیلمساز) | ابوالقاسم طالبی(فیلمساز) | محمد کاسبی (بازیگر) | رسول ملاقلی پور (فیلمساز) | شهریار بهرانی (فیلمساز) | پرویز شیخ‌فانی (فیلمساز) | داود میرباقری (فیلمساز) | حسین باری(بازیگر) | پروانه معصومی (بازیگر) | مهدی ققیه (بازیگر) | ابراهیم حاتمی کیا(فیلمساز) | سلحشور (فیلمساز) | **هادی محمدیان (پونا نما)** | مجید مجیدی (فیلمساز) | شهید آوینی (فیلمساز) | جواد اردکانی (فیلمساز)

## پشت پرده جذب بازیگران زن به «شبکه جم»

سمیرا خطیبزاده

به کار شد و حتی گفته می‌شود مرداک نیز بخشی از سهام جم را خریداری کرد.

این شبکه پس از چند سال فعالیت در زمینه موسیقی و سرگرمی، کنال دیگری برای پخش سریال رانندازی شبکه را باور کرده‌اند دوباره بر سر زبان‌ها افتاده است. هر چند که موضوع پیوستن بازیگرانی که در ایران آنچنان مطرح نبوده و برای بازی در فیلم‌های ایرانی پیشنهاد مناسبی نداشتند به این شبکه داستان بر غصه‌های است که باید مورد تحلیل و موشکافی عمیق قرار گیرد اما افتشاکگری بی‌سابقه مدیر تولید شبکه ماهواره‌ای «جم» تیر خلاص برای همه کسانی است که قبله آمال خود را در این شبکه‌ها جست‌وجو می‌کنند!

مدیر تولید این شبکه در اظهار نظری که عمق استراتژی و برنامه‌ریزی دشمنان نظام را برای نهاد خانواده و زنان ایران اسلامی نشان می‌دهد اینگونه می‌گوید: «کسانی که با GEM همکاری می‌کنند باید قید همسرشان را بزنند!»

خبرها حاکی از آن است که کارکنانی که با این شبکه همکاری می‌کنند، پس از مدتی باید در میهمانی‌های شبانه سعید کریمیان و خواهرش سعیده کریمیان شرکت کنند و زمانی که مدت ویزای این افراد در ترکیه به پایان می‌رسد، برای تسهیل در امر اسکان و اقامت ترکیه به آنان پیشنهاد می‌شود که از اسلام دست بردارند و مسیحی شوند تا بتوانند راحت‌تر پناهنده شوند!

به راستی گردانندگان اصلی این شبکه چه اهداف پنهانی را در سر می‌پورانند و برای مخاطبان هدف خود چه برنامه‌ای در سر دارند؟! مطلقاً باید هر چه بیشتر بدان پرداخت و ابعاد آن را از زوایای مختلف مورد نقد و بررسی قرار داد.
جم، مجموعه شبکه‌های تلویزیونی به زبان فارسی، کردی و دری است که از شهر دبی در امارات متحده عربی پخش می‌شود.
این شبکه یکی از شبکه‌های تلویزیونی «گروه موسیقی و سرگرمی عمومی» است. محتوای برنامه‌های این شبکه تلویزیونی را فیلم‌های سینمایی، مجموعه‌ها و سریال‌های تلویزیونی، مستندهای تلویزیونی، برنامه‌های آموزشی، انیمیشن و سایر برنامه‌های سرگرم‌کننده جهان تشکیل می‌دهند.

«گروه موسیقی و سرگرمی عمومی» دفاتری در شهرهای دوبی، لندن، کوالالمپور و لس‌آنجلس دارد و عمده فعالیت خود را بر تفریح سبک زندگی ایرانی‌ها قرار داد. شبکه جم جزو اولین شبکه‌های ماهواره‌ای است که اساس کار خود را بر سبک زندگی گذاشته است. با روی کار آمدن شبکه فارسی وان رابطه این شبکه با جم نیز بسطیارسامع شد و سارا بهربری به عنوان مهره کلیدی فارسی وان به صورت همزمان در شبکه جم نیز مشغول

با غلبه فضای مجازی به عنوان اصلی‌ترین ابزار سرگرمی در نسل جدید، نادیده گرفتن زیرساخت‌های فرهنگ خطری جدی به حساب می‌آید.
انگر حرکت فرهنگی مثبت و سازنده مقابل جریان مجازی در نظر گرفته نشود باید منتظر تخریب ذهن‌ها شد. توجه به زیر ساختهای فرهنگی و احیا کردن آنها باعث می‌شود تا ما با آگاهی

## هنرهای آئینی، ناجی فرهنگ از غرق شدن در فضای مجازی



و توانایی کامل در جنگ نرم فعال باشیم. بدون تردید بهترین راه مقابله با جنبه‌های منفی فضای مجازی و تهاجم به چنین فرهنگ و آیین‌های زیبای اسلامی- ایرانی ازجمله، تعزیه، پرده خوانی و نقالی است. توجه هر چه بیشتر به بزرگان دین در قالب فعالیت‌های هنری همچون تعزیه و پرده خوانی و... خود بستری را جهت آشنایی با فرهنگ اصیل اسلامی برای نسل کودک، نوجوان و جوان ما فراهم می‌کند. همچنان که یکی از دلایل رنگ‌باختگی هویت در فرهنگ، همین ناآگاهی با چنین میراثی است. توجه به چنین هنر ارزشی که در چهار چوب هنر آئینی و سنننی جای می‌گیرد،

بلکه می‌تواند از حدیث «عالم زر» شروع شود تا حدیث «عالم قیامت». زندگانی انبیا، اولیا، زندگانی پیامبر اسلام، واقعه کربلا و حوادثی چون، معجزات، قصه‌های ملی، رستم و بهرآب، سیاوش، سلطان محمود و ایاز، و یا قصه «یوسف و زلیخا»، «سلیمان و بلقیس» و... در این هنر ارزشی جان و شکل گرفته است، در واقع رفته رفته قصه‌های

در بسیاری از کشورهای جهان نیز توجه به هنرها و آیین‌های سننی بار دیگر اهمیت یافته و با نگاه تازه به آنها می‌پردازند.

### نمایشگاه عکس‌های آزادی نبل و الزهرا در شهرستان‌ها برگزار می‌شود



**با اتمام نمایشگاه عکس «به نام زیتون» شامل عکس‌های حسنین مرصادی از عملیات «نصر ۴۲» و آزادسازی نبل و الزهرا، این عکس‌ها در شهرستان‌ها و مراکز استان‌ها نیز به نمایش در می‌آیند.**

به گزارش خبرنگار کیهان، در این نمایشگاه از ۲۷ مرداد تا ششم شهریور ۴۵ عکس ثبت شده درباره این عملیات مهم در حوزه هنری به نمایش درآمد.

پس از پایان زمان برگزاری این نمایشگاه، قرار است عکس‌های «به نام زیتون» در سایر شهرستان‌ها و مراکز استان‌ها نیز به نمایش در بیایند. حسین مرصادی، درباره این عکس‌ها توضیح داد: به‌طور قطع، آیندگان قضاوت خواهند کرد که شهدای مدافع حرم چه انسان‌های بزرگی هستند و چه خدمتی به بشریت می‌کنند. اما آن‌ها در غربت و مظلومیت شهید می‌شوند. از خیلی از شهدای دفاع مقدس عکس‌هایی به یادگار مانده است. اما از شهدای مدافع حرم عکس‌های کمی ثبت می‌شود. نهایت این است که در محل شهادت و از ابدان پیرامون‌شان شهود موفق می‌کند، بدون آنکه مواجه با کلام و نصیحتی مستقیم باشند.

توجه به هنرهای دیداری و شنیداری همچون هنر نمایش می‌تواند در بیان غیرمستقیم بسیاری از مهارت‌های زندگی که قادر است کودک و نوجوان را برای آینده‌ای موفق و تأثیرگذار مسلح کند، نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. توجه و اهمیت‌و استفاده از احادیث و مبانی اخلاقی و حکمت اسلامی آموزش مجموعه‌ای از مفاهیم دینی از دریچه عکاسان فرساید و بسیار حائز اهمیت است.

**مه‌دوی**

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ هجری شمسی همچنان که در عرصه سیاسی و اجتماعی و اقتصادی ایران تأثیر گذاشت، عرصه فرهنگ و هنر را نیز تحت الشعاع خود قرار داد.

ماجرای ملی شش‌دن صنعت نفت می‌توانست به لحاظ فرهنگی پایه‌گذار و اشاعه بخش روحیه استکبارستیزی نه فقط در داخل ایران بلکه در کل منطقه آسیای غربی که در آن ایام تحت نفوذ بریتانیا به حساب می‌آمد شود. از این رو، پس از به سرانجام رسیدن کودتای ننگین ۲۸ مرداد، عمال وطنی دولت انگلستان، ورودی همه جانبه به عرصه مطبوعات ، فرهنگ و به ویژه سینما به عنوان تأثیرگذارترین رسانه آن زمان داشتند. از جمله برادران رشیدیان که نویسنده کتاب «کودتای ۲۸ مرداد» (انتشارات روایت فتح) از نقش فوق العاده تأثیرگذار آنان با

## تأملی بر سینمای کودتا

حمیدرضا مهدی‌زاده

رمز نرن و سیلی در جریان کودتا یاد می‌کند که چندی بعد از محاکمه مصدق، استودیو تئاتر رگس را راه اندازی کردند. آنها همچنین با تشویق دکتر کوشان موج دوم سینمای ایران را پس از کودتا با ساخت انواع فیلم‌های غیراخلاقی به اصطلاح فارسی رقم زدند. و با ابراهیم گلستان که با ساخت فیلم «خشت و آینه» سر و صدای زیادی به پا کرد و حتی به نوعی از ناحیه روشنفکران هم پدر معنوی سینمای موج نو ایران نیز لقب گرفت. وی که از نیروهای رده بالای کنسرسیون هم به حساب می‌آمد یا بودجه ای که پس از کودتا از شرکت نفتی رویال شاج لچ دریافت کرد، کمیاتی گلستان فیلم را بنا نهاد.

یکی از نکات بسیار مهم و البته مغفول مانده در گز گاه تاریخ ورود بهائیان به سینما پس از کودتا، حضور افراد ثروتمند و صاحب نفوذی چون مهدی میثاقیه، امین امینی و هزبر بردانی بود که ساخت فیلم‌های فاسدی همچون «محلل» از اقدامات آنان در ضدیت با اسلام و مردم مسلمان ایران به حساب می‌آید. در واقع مأموریت اصلی سینمای ایران پس از کودتای ۲۸ مرداد تهیه فیلم‌های به اصطلاح فارسی با محوریت کافه، راقصه، خانه فسفاد، مشروب‌خوری، بز ن بز و عود، لودگی، آوازخوانی و... بود. هدف جریان فرهنگی و هنری ایران بعد از کودتا، به ویژه در عرصه سنسینما آن بود تا جوانان ده ۴۰ و ۵۰ به جای پرسش از نحوه برگزاری انتخابات فرمایشی مجلس شورای ملی ، فساد گسترده دستگتگاه اجرایی و اعضاء هیئت دولت، تنظیم قراردادهای خفبار نفتی با شرکت های آمریکایی، کاپیتولاسیون، روابط غیرقانونی با رژیم اشغالگر قدس، قحاق گسترده مواد مخدر

کشورمان است.

نکنه قابل تأمل این است که یکی از اهداف بانیان شبکه‌های ماهواره‌ای بیگانه، سرگرم کردن ما به خنثی‌سازی برنامه‌های آن هاست. مثلا رسانه‌های ملی ما وارد کنند تا برای دور کردن مردم از برنامه‌های ماهواره ای، به سمت عوام زدگی و افزایش ابتذال برسود. این در حالی است که برای آیین شدن در برابر این تندبادهای باید در مسیر خودمان

عنوان سسال جدید، گرچه در

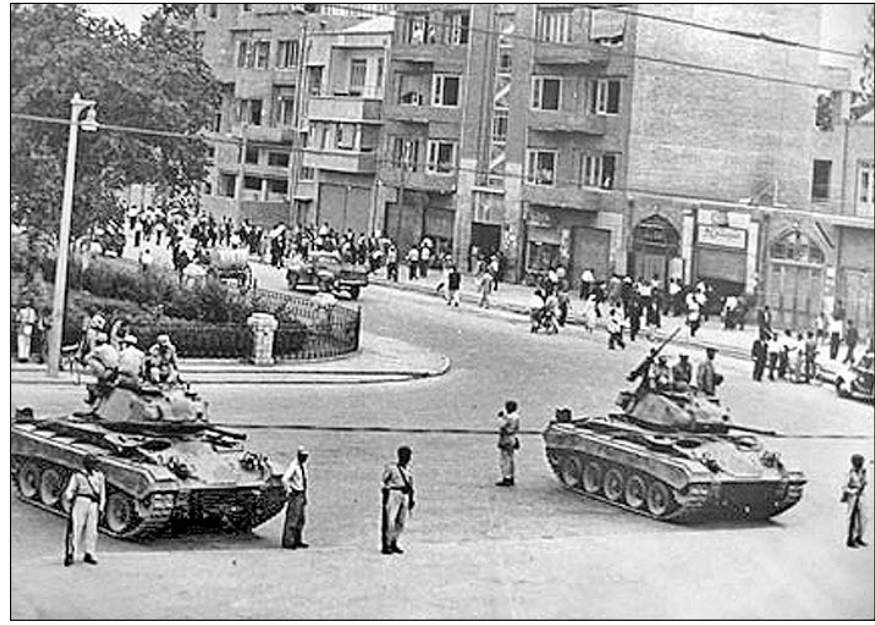
نسگاه اول تنها یک امر اقتصادی به نظر می‌رسد، اما «اقتصاد مقاومتی» وقتی قرار است از یک آرمان و عنوان تبدیل به اقدام و عمل شود، باید تبدیل به فرهنگ شود. بدون تردید، فرهنگ، هنر، رسانه، سیاست، اقتصاد، امنیت و... جزایری جدا از یکدیگر نیستند، بلکه همه این عرصه‌ها در مکانیسمی تعاملی، یک نظام اجتماعی را تشکیل می‌دهند.

به طوری که هر یک از حوزه‌های اقتصاد و سیاست و امنیت و فرهنگ و... با یکدیگر همبستگی داشته و با تأثیرگذاری متقابل بر یکدیگر، سمت و سسو و کم و کیف جامعه را حالت می‌دهند. در این فرایند، فرهنگ و هنر و به ویژه رسانه‌ها، نقش استحکام بخشی را ایفا می‌کنند. اگر جهت‌گیری فرهنگی کشور مغایر با اقتصاد مقاومتی باشد، سایر حوزه‌ها نیز در عملی ساختن این آرمان، سست و کند می‌شوند. اما چگونه؟

یک اثر سینمایی و تلویزیونی زمانی می‌تواند در خدمت آرمان‌های ملی و دینی کشورمان، از جمله اقتصاد مقاومتی قرار بگیرد که به تعهیج روحیه آرمانگرایانه مردم کمک کند و این مسیر نمی‌شود مگر با پالایش ساختاری و زیباشناختی آثار. یعنی از یک طرف باید ابتلاز و سطحی‌گرایی و سیاه‌نمایی و نظاهر به روشنفکری در فیلم‌ها تضعیف شود و در مقابل، ارزش‌های دینی و عدالت خواهی و استکبارستیزی و وطن دوستی و ممنونیت و اخلاقی در فرم و ساختار زیباشناختی فیلم‌ها تجلی یابد. این موضوع در تلویزیون بیشتر می‌آید. چون این رسانه بیشتر می‌تواند به پیشانی اصلی جبهه دفاع در جنگ نرم و هجوم فرانس‌های دشمنان

توسط دربار و سناتورها و ... به الوالی در کافه و دانسینگ‌ها ، قمارخانه و کازینوها ، مراکز فحشا و خانه های فساد و پارتی‌های شبانه‌متل‌قو مشغول باشند.

مصاحبه مفصل سعید کنگرای بازیگر نقش اول فیلم مستهجن «در امتداد شب» با مجله عصراندیشه در تاریخ دهم شهریور ۱۳۹۴ به خوبی پرده از اسرار بسیاری از رازهای مربوط به سینمای ایران پس از کودتای ۲۸ مرداد برمی‌دارد و حقایقی تکان دهنده را از ابتذال سازمان‌یافته در سینمای پیش از انقلاب افشا می‌سازد. به ویژه آنجا که می‌گوید: «وقتی سیستمی می‌خواهد فسادی را طبق دستور یا دکترینی وارد فرهنگ سرزمینش کند، سینمای آن هم، فیلم ساخته شده توسط آربی آوانسیان می‌شود که در آن یک بازیگر زن را عریان می‌کند؛ کاری که تا پیش از



این هرگز سابقه نداشت. دقیقاً دست‌هایی در کار بود که در آن دخترهای فراری را که قبلاً وارد سیستم روسپی‌گری می‌شدند وارد سینما کنند. کمپانی‌های موسیقی و دفاتر فیلمسازی نیز با هم در این زمینه به شدت رقابت می‌کردند و هر وقت که هویدا به سندیکای فیلمسازان می‌رفت همه متوجه می‌شدند که دستور از بالا صادر شده است.»

جالب است وقتی که خبرنگار سوال می‌کند سند شما از بابت این ادعا چیست؟ پاسخ می‌دهد که «سند خود من هستم و فقط در یک مورد خودم دیدم که عباس شیبازی در آر.آنا فیلم برای رضاموتوری دختری ۱۶ ساله را از پدرش به مبلغ هفت هزار تومان به شرط اینکه در قرارداد بپذیرد که باکره نبوده خریداری کرد و با وی قرارداد بست. البته بیان این مطلب آن هم از جانب فردی که خود نیز سر تا پا در آن فساد غرق بود در کنار کتاب خاطرات پروین غفاری که قبل از مرگش در تهران به چاپ رسید مشتی کوچک از خروار خنایت فرهنگی رژیم فاسد پهلوی به ویژه در زمان سلطنت محمد رضا به حساب می‌آید.» بنابراین دیگری می‌توان ادعا کرد که با کودتای ۲۸ مرداد، سینمای به اصطلاح فارسی، هدفی جز ریشه‌کنی باورها و اعتقادات اصیل ملت ایران در صیانت از مذهب اسلام ناب محمدی(ص) و روحیه استکبارستیزی به خصوص در برابر آمریکا و انگلیس نداشت. صدا البته که با پیروزی انقلاب اسلامی این جریان شوم قطع شد. اما متأسفانه ریشه‌کن نشد. چرا که هنوز هم پس از سی و هشت سال، دنباله‌روهای آن طرز تفکر، این بار با نام لباس روشنفکری در سینمای ایران جولان می‌دهند.

سلبی است. یعنی همزمان با تقدیر از تولیدات فرهنگی مثبت و ارزشمند باید فعالیت‌های فرهنگی منفی و تخریب‌کرد.صداوسیمای بنا بر ملاحظاتی، در این زمینه کم کار است. به ندرت پیش می‌آید که در برنامه‌های فرهنگی و هنری صداوسیمای، به نقد بی‌محای بی‌پرده تولیدات مبتذل پرداخته شود. به جز برنامه «عقل» که گاهی به افتاد از این نوع محصولات می‌پردازد، سایر

## صداوسیمای ، اقتصاد مقاومتی، ولنگاری فرهنگی

حسین کارگر

برنامه‌هایی که موضوع آنها فرهنگ و هنر است، یا در مقابل آثار و جریان‌های فرهنگی فروراهیه سکوت می‌کنند و یا اصلا در خدمت چنین برنامه‌هایی هستند. خنثی زدگی یکی از عوامل زمینه‌ساز ولنگاری فرهنگی است.

علاوه بر این‌ها، خود محصولات صداوسیمای نیز باید دافع و نافی ولنگاری باشند. بطور طبیعی، هر چقدر که برنامه‌های صداوسیمای به ویژه برنامه‌های سرگرم‌کننده جذاب- فاخرتر و دارای عمق و محتوای بیشتری باشند، می‌توانند ذائقه مخاطب را به سمت محصولات سوق دهند. پخش بیش از حد موسیقی‌های بی‌مایه، تبلیغات بازرگانی، سریال‌های سطحی و بی‌کیفیت، فیلم‌های هالیوودی، تریبون دادن به چهره‌های هنری ناباب و... از جمله مواردی هستند که می‌توانند به ولنگاری فرهنگی در جامعه دامن بزنند و در صداوسیمای هم اتفاق می‌افتد.

یکی از مهم‌ترین ابزارها برای تقلیل صداوسیمای باولنگاری فرهنگی، افزایش خلاقیت و نوآوری در برنامه هاست. این خلاقیت باید هم در ساختار برنامه‌ها اتفاق بیفتد و هم تاریکی، جلادان به روشنایی است. این سخن در عرصه فرهنگی بیشتر نصدود دارد. بهترین راه برای تقابل با آثار هنری و هنرمندان مبتذل، توسعه کشورمان پیوند بیشتری ایجاد کند، در آن صورت هیچ تهاجمی از سوی بدخواهان کارساز نخواهد بود.

مبارزه با ویروس‌های فرهنگی در صداوسیمای دووجه دارد؛ ادیجایی و سلبی. وجه ادیجایی مبارزه با ولنگاری فرهنگی در صداوسیمای، توجه بیشتر به فعالان فرهنگی متعهد است.

هم‌گوند، بهترین راه برای نفی تاریکی، جلادان به روشنایی است.

این سخن در عرصه فرهنگی بیشتر نصدود دارد. بهترین راه برای تقابل با آثار هنری و هنرمندان مبتذل، توسعه کشورمان پیوند بیشتری ایجاد کند، در آن صورت هیچ تهاجمی از سوی بدخواهان کارساز نخواهد بود.

مبارزه با ویروس‌های فرهنگی در صداوسیمای دووجه دارد؛ ادیجایی و سلبی. وجه ادیجایی مبارزه با ولنگاری فرهنگی در صداوسیمای، توجه بیشتر به فعالان فرهنگی متعهد است.

هم‌گوند، بهترین راه برای نفی تاریکی، جلادان به روشنایی است.

این سخن در عرصه فرهنگی بیشتر نصدود دارد. بهترین راه برای تقابل با آثار هنری و هنرمندان مبتذل، توسعه کشورمان پیوند بیشتری ایجاد کند، در آن صورت هیچ تهاجمی از سوی بدخواهان کارساز نخواهد بود.